

دکتر محسن اسماعیلی

# اصلاح طلبی از دیدگاه شهید مطهری



### چکیده:

شهید مطهری متفکری است که می توان از او به عنوان یک نظریه پرداز در زمینه اصلاح طلبی دینی نام برد. اصلاح طلبی یعنی باور به اینکه می توان دگرگونی و تغییر در زندگی اجتماعی، سیاسی و با اقتصادی را از طریق انجام اصلاحات و نه انقلاب و با بهره گیری از روشهای مسالمت آمیز و ملایم رقم زد. از نظر استاد آنچه مهم است تشخیص درست اهداف اصلاحات، آسیب های آن و پرهیز از افراط گرایی در این باب است. دین و فرهنگ خودی از منظر شهید مطهری اساسی ترین نقش را در فرایند اصلاحات دارد ایشان می فرمایند این فرهنگ غنی و عظیم اسلامی است که می تواند و باید پشتوانه نهضت واقع شود و علمای اسلامی متخصص در این فرهنگ عظیم و آگام به زمان هستند که می توانند و باید نهضت را رهبری کنند. او یکی از توطئه های خطرناک دشمنان را تضعیف باورهای مردم و وادار کردن آنان به عقب نشینی از ارزشها و اصول به نام مبارزه با تعصب و ترویج تساهل و بردباری می داند.

### مقدمه

در حال حاضر رواج اندیشیه «اصلاحات» شعاع و خواست اصلی مردم و نظام ماست. درست است که به تعبیر رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای «اصلاحات از آن واژه هایی است که همیشه پر جاذبه بوده است»<sup>۱</sup> و «همه انسان هایی که از هر فساد ریج می بزنند، دلشان با این اشعار می تپد»<sup>۲</sup> و درست است که به گفته استاد مطهری «در تاریخ اسلام، حرکت ها و جنبش های اصلاحی فراوان می توان یافت که از هیچ تاریخ دیگر کمتر نیست»<sup>۳</sup> و این اصطلاح «یک آهنگ آشنا به گوش مسلمانان است»<sup>۴</sup>، اما به هر حال هیچ گاه تا این اندازه شاهد فراگیر شدن آن به عنوان «گفتمان اصلی این ملت»<sup>۵</sup> نبودیم.

از سوی دیگر، چنانکه می دانیم اصلاحات در گفتمان سیاسی و رایج دنیا دارای مباحث دامنه دار و تعریف های متفاوتی است و این خطر وجود دارد که عدم ارائه تعریفی منطبق با فرهنگ دینی و نیازهای کنونی کشور، راه را برای سوء استفاده از این عطش همگانی هموار کند. به همین جهت است که مقام معظم رهبری پس از بیان این عقیده که «اصلاحات در کشور ما از سر اغضار ... بلکه فریضه است»<sup>۶</sup> بلافاصله تأکید می کنند که البته «اصلاحات باید تعریف بشود... تا هر کسی نتواند به میل

استاد شهید مرتضی مطهری بی گمان از ماندگارترین شخصیت های دینی و ملی در تاریخ کشور ما خواهد بود. وی از معدود متفکرانی است که مورد قبول قشرهای متفاوت اجتماعی و طیف های گوناگون فکری است و نظر صائب، نیت خالص و قدرت تئوری پردازی او تحسین و حیرت همگان را برانگیخته است. با این حال به نظر می رسد حق این بزرگ مرد، آن گونه که شایسته است، تا به حال ادا نشده و اندیشه های راهبردی و مؤثر وی در زمینه های مختلف علمی و اجتماعی در پیس هائیکویریم ها و تجلیل ها مغفول مانده است. این درد جانتسوزی است و متولیان امور باید به درمان آن بپردازند و نگاهشان را از نیکو دانیست های ظاهری، جامعه جامع ما را از برکات اندیشه های استاد غافل و محروم کند.





ملی ما، انقلاب را هم در بر می گیرد. به همین جهت است که امام حسین علیه السلام نیز انقلاب خونین خود را «اصلاح طلبی در امت جد خود» می نامد؛ «اما خرجت لطلب الاصلاح فی امت جدی»<sup>۱۱</sup>

همچنین مقام معظم رهبری تأکید می کنند که «اگرچه در اصلاحات سیاسی دنیا، انقلاب را در مقابل اصلاح قرار می دهند؛ اما من با آن اصطلاح نمی خواهم حرف بزنم. من اصلاح را با اصطلاح اسلامی مطرح می کنم»<sup>۱۲</sup> که در آن دیدگاه «خود انقلاب بزرگترین اصلاح» به شمار می آید.<sup>۱۳</sup>

مقصود استاد مطهری از اصلاحات نیز بطور دقیق چنین مفهوم سیاسی است و به همین جهت بارها و بارها از اصطلاح «نهضت اصلاحی» نیز استفاده می کند. به هر حال شهید مطهری «اصلاح یعنی سامان بخشیدن» را که «نقطه مقابل افساد است» از ضرورت های مسلم دینی می شمارد و ضمن تأکید بر اصلاحات فردی یا خانوادگی، بحث های مفصل و البته پراکنده ای در مورد «اصلاح اجتماعی» دارد و پرداختن به آن را «حساسیت مثبت و مبارکی» می شمارد. ایشان با اشاره به آیات متعدد قرآن، همه «پیامبران را مصلحان می خوانند» و در اصل معتقد است که «اصلاح طلبی یک روحیه اسلامی است. هر مسلمانی به حکم این که مسلمان است خواه ناخواه اصلاح طلب و دست کم طرفدار اصلاح طلبی است زیرا اصلاح طلبی ... از اوکان تعلیمات اجتماعی اسلام است».

#### اهداف کلی اصلاحات

به نظر استاد آنچه مهم است؛ تشخیص درست اهداف اصلاحات، آسیب های آن و پرهیز از «اقراط گرایی» در این باب است. «زیرا اصلاح اجتماعی یعنی دگرگون ساختن جامعه در جهت مطلوب» و طبیعی است که شناخت «جهت مطلوب» و استمرار حرکت به سوی آن، جوهره این حرکت از رשמند است.

شهید مطهری در برداشتی عالمانه و زیبا از خطبه مشهور حضرت علی علیه السلام<sup>۱۴</sup>، «اصلاح طلبی دینی» را در چهار محور خلاصه می کنند:

۱- «سیرایه زدایی از دین و از میان بردن بیعدت ها و در یک کلام «بلازگشت به اسلام تحسین».

۲- «تحول بنیادین در اوضاع زندگی خلق خدا» به گونه ای که «نظر هر بیننده را جلب نماید».

۳- «بازسازی روابط اجتماعی انسان ها» تا اینکه «بندگان مظلوم خدا از شر ظالمان امان یابند و دست تظاول ستمگران از سر ستمدیدگان کوتاه شود».

۴- دگرگون سازی «نظارت ملنی و اجتماعی جامعه» در سایه برپا داشتن «مقررات تعطیل شده خدا و قانون های نقض شده اسلام».

ناگفته نماند که دست یافتن به این آرمان های بلند، نیازمند صلاحیت هایی است که اصلاح طلبان واقعی باید از آن برخوردار باشند. همچنین طی این راه طولانی همواره مواجه با دشواری های بسیار و آسیب پذیری های بی شماری است که بدون توجه به آنها قافله اصلاحات هیچ گاه به مقصد نخواهد رسید. اینها همه نکته هایی است که از نگاه ناقدان مستاد مغفول نمانده است و به آنها اشاره خواهد شد. ان شاء الله.

خودش اصلاحات را معنی کند... اگر تعریفی از اصلاحات مشخص نشود، الگوهای تحمیلی علیه خواهد کرد؛ همان اتفاقی که در شوروی افتاد؛ چون نمی دانستند چه کار می خواهند بکنند، لذا به سراغ تقلید ناشیانه اصلاحات در الگوها و مدل های غربی رفتند<sup>۱۵</sup> و در آخر نتیجه آن راهم دیدند و دیدیم.



بسیار اراده تعریف اصلاحات منطبق با فرهنگ اسلامی، چاره ای جز مراجعه به اندیشمندان

و نظریه پردازانی که ضمن آشنایی با معارف دینی، در صداقت و تعهد نیز آزموده شده باشند نداریم و معلوم است که در این میان شهید مطهری از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ استاد عزیز می که امام راحل (ره) آثار او را بی استثناء خوب دانستند و فرمودند: «من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می کنم که کتاب های این استاد عزیز را نگذارند یا دسیسه های غیراسلامی فراموش شود»<sup>۱۶</sup>

مطهری، متفکری است که می توان از او به عنوان یک نظریه پرداز در زمینه اصلاح طلبی دینی نام برد و از آثار مکتوب و غیر مکتوب و از آن مهمتر سیره عملی و رفتار اجتماعی او، الگوبرداری مطمئنی برای شروع و ادامه روند اصلاحات در کشور بهره مند شد.

این الگوبرداری از آن جهت ضروری و سرنوشت ساز است که: اولاً در توان فکری و قدرت نظریه پرداز و ثانیاً در صداقت و خیرخواهی آن شهید عزیز نوعی اجماع فکری و وفاق ملی وجود دارد و البته این نیز بی تأثیر از ریخته شدن خون پاکش در راه اثبات و دفاع از حقیقت عقیدهاش نیست.

#### مفهوم و ضرورت اصلاحات

در ادبیات علمی و سیاسی امروز «اصلاحات» معادل «Reform» و در مقابل «انقلاب» «Revolution» به کار می رود. در فرهنگ خاص علوم سیاسی، «انقلاب خواهی» به هر نوع اندیشه و نظریه ای که خواهان تغییر اساسی و بنیادی در وضع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی جامعه باشند، گفته می شود.<sup>۱۷</sup> اما اصلاح طلبی یعنی «بیلور» به اینکه می توان دگرگونی و تغییر در زندگی

اجتماعی، سیاسی و یا اقتصادی را از طریق انجام اصلاحات و نه انقلاب و بیاب بهره گیری از روش های مسالمت آمیز و ملایم رقم زد»<sup>۱۸</sup> بنابراین، اصلاحات به این معنی از نظر اهداف، شیوه ها و ابزار در مقابل انقلاب است. بیالین حال این واژه در ادبیات دینی و

من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می کنم که کتاب های این استاد عزیز را نگذارند یا دسیسه های غیر اسلامی فراموش شود.

مقام معظم رهبری:

من اصلاح را با اصطلاح اسلامی مطرح می کنم که در آن دیدگاه خود انقلاب بزرگترین اصلاح به شمار می آید..



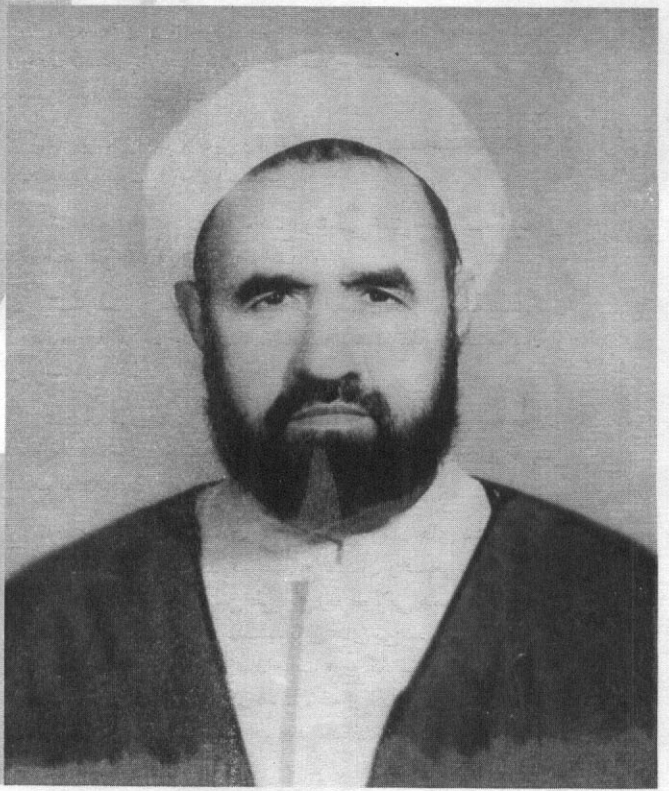
### نشانه های اصلاح طلبان موفق

استاد مطهری، اصلاحات به این معنی را «کار پیامبرانه» و هدف تمام انبیاء و امامان دانسته و در عین حال این سؤال اساسی و سرنوشت ساز را مطرح می کند که «آیا هر فردی در هر شرایط روحی و اخلاقی و با هر نوع شخصیت معنوی موفق به برداشتن چنین گام پیامبرانه ای می شود؟»

ایشان با استناد به حکمت ۱۰۷ نهج البلاغه<sup>۱۵</sup> به این پرسش پاسخ منفی می دهند و تأکید می کنند که فقط «کسی چنین توفیقی حاصل می کند که سه صفت بزرگ در او راه نیافته باشد: مضاغعه، او راه نیافته باشد: مضاغعه، مضاغعه، طمع». با این توضیح استاد، می توان گفت که شرایط موفقیت اصلاح طلبان از دیدگاه حضرت علی علیه السلام به شرح زیر است:

#### ۱. نداشتن مضاغعه

مضاغعه را به سازشکاری، یا ملاحظه کاری و یا معامله گری هم معنا کرده اند؛ ولی استاد معتقد است که «نه، همه اینها مضاغعه هستند، ولی مضاغعه بیش از اینها است» و تأکید می کند که «هنوز نتوانسته ام یک معادل فارسی دقیق» برای آن پیدا کنم. ایشان تلاش می کند با ارائه مثال هایی از کاربرد این واژه در سخنان امام علی علیه السلام معنای روشن تری از آن ارائه کند و از جمله مصلحت سنجی ها، «از آن نوع مصلحت هایی که سیاستمداران خود را با آنها تطبیق می دهند»، ترویج برخوردارهای «چاپلوسانه و



تملق آمیز»، «رودربایستی در اجرای امر خدا داشتن» و «ملاحظه دوست و رفیق و فرزند و خویشاوند و مرید را در کارها دخالت دادن» را مصداق صفاتی می داند که با شعار اصلاح طلبی تناقض دارد. «ماست مالی» خطاهای خود و اطرافیان و «شیره مالی» بر سر مردم مصداق دیگری است که

این شهید بزرگوار برای «مضاغعه» ذکر می کند.

#### ۲. نداشتن مضاغعه

مضاغعه یعنی مشابهت و به عقیده استاد «آن کس که می خواهد جامعه ای را اصلاح کند و تغییر دهد خودش نباید هم رنگ همان

مردم باشد و همان نقاط ضعف که در مردم هست در خودش وجود داشته باشد، کسی موفق به اصلاح نقاط ضعف می شود که خود از اینها مبرا باشد». ایشان به عنوان نمونه، علی علیه السلام را مصداق یک اصلاح طلب واقعی می داند که فرمود: «به خدا سوگند من شما را به هیچ کاری فرمان ندادم مگر آنکه پیش از آن که فرمان دهم، خودم بکار بستم و از هیچ چیز شما را منع نکردم، مگر آنکه پیش از آن که شما را منع کنم، خودم از آن دوری کردم.»

#### ۳. طماع نبودن

استاد طمع را «بردگی جاوید» انسان معنی کرده و معتقد است آنکه در بند خودخواهی، فزون طلبی و هواپرستی گرفتار است نمی تواند دیگران را از این مشکلات رها سازد. پس «حریت و آزادی

معنوی شرط توفیق مصلح دینی است. همچنان که یک زبون ملاحظه کار توفیق اصلاح طلبی خدایی نمی یابد، و همچنان که یک گرفتار بیمار موفق به مداوای جامعه خود نمی گردد، یک اسیر و بنده مطامع نفسانی نیز موفق نخواهد شد دیگران را از اسارت های اجتماعی یا معنوی باز دارد.»

ایشان در جای دیگر می گوید: «اولین شرط اصلاح طلبی فارغ بودن از تعصبات افراطی نسبت به فرقه خاص، علیه فرقه دیگر است» و این را پیش شرط شناخت درست اجتماع و یافتن درمان دردهای آن می داند معیارهای فوق، شاخص های خوبی برای ارزیابی همه کسانی است که داعیه اصلاح طلبی داشته و دارند و می تواند سرنوشت آینده ما را روشن تر کند.

#### نقش دین و روحانیت در اصلاحات

دین و فرهنگ خودی از منظر شهید مطهری اساسی ترین نقش را در فرآیند اصلاحات دارد. شهید مطهری نخستین هدف کلی اصلاحات را این می داند که: «نشانه های محو شده

ماست مالی خطاهای خود و اطرافیان و شیره مالی بر سر مردم از مصادیقی است که این شهید بزرگوار برای «مضاغعه» ذکر می کند.

آن کس که می خواهد جامعه ای را اصلاح کند و تغییر دهد خودش نباید هم رنگ همان مردم باشد و همان نقاط ضعف که در مردم هست در خودش وجود داشته باشد، کسی موفق به اصلاح نقاط ضعف می شود که خود از اینها مبرا باشد.



عدم سوء نیت صورت گیرد، خطری است که کیان اسلام را تهدید می کند.»

از نظر استاد مطهری «این صحیح نیست که یک فرد غیر وارد که اگر یک کتاب فقه و یا فلسفه را به دستش بدهند نمی داند از راست بگیرد یا از چپ، پیشنهاد رد یا طرد بدهد و درباره اسلام و به نام آن بنویسد و تبلیغ کند.»

۳۳

ایشان از روی همین برداشت است که «نهضت اصلاحات» را ضروری می داند ولی اصرار دارد که: «این فرهنگ غنی و عظیم اسلامی است که می تواند و باید پشتوانه نهضت واقع شود و هم علمای اسلامی متخصص در این فرهنگ عظیم و آگاه به زمان هستند که می توانند و هم باید نهضت را رهبری کنند.»

ایشان درباره سرنوشت بزرگترین جنبش اصلاحی در قرن اخیر، یعنی حرکت امام خمینی (ره)، نیز معتقد است که: «انقلاب ایران اگر در آینده بخواهد به نتیجه برسد و همچنان پیروزمندانه به پیش برود، می باید باز هم روی دوش روحانیون و روحانیت قرار داشته باشد. اگر این پرچمداری از دست روحانیت گرفته شود و به دست به اصطلاح

روشنفکران بیفتد، یک قرن که هیچ، یک نسل که بگذرد، اسلام به کلی مسخ می شود زیرا حامل فرهنگ اصیل اسلامی، در نهایت باز هم همین گروه روحانیون متعهد هستند.»<sup>۱۶</sup>

**این فرهنگ غنی و عظیم اسلامی است که می تواند و باید پشتوانه نهضت واقع شود و هم علمای اسلامی متخصص در این فرهنگ عظیم و آگاه به زمان هستند که می توانند و هم باید نهضت را رهبری کنند.**

البته بر این نکته نیز پای می فشارد که خود این نهاد هم «آفت زده» است و باید آن را «اصلاح» و پاسخگویی

نیاز زمانه کرد. از نظر او «روحانیون بزرگ ما باید به این نکته توجه کنند که بقا و دوام روحانیت و موجودیت اسلام به این است که زعمای دین ابتکار اصلاحات عمیقی که امروز ضروری تشخیص داده می شود را در دست بگیرند... امروز این ملت تشنه اصلاحات نابسامانی هاست و فردا تشنه تر خواهد شد... از طرفی مدعیان اصلاح طلبی که بسیاری از آنها علاقه ای به دیانت ندارند زیادند و در کمین احساسات نو و بلند نسل امروزند. اگر اسلام و روحانیت به حاجتها و خواسته ها و احساسات بلند این ملت پاسخ مثبت ندهند به سوی آن قبله های نو ظهور متوجه خواهند شد. فکر کنید آیا

اگر سنگر اصلاحات را این افراد اشغال کند، موجودیت اسلام و روحانیت به خطر نخواهد افتاد؟!»<sup>۱۷</sup>



راه خدا را جز همان اصول واقعی اسلام نیست، بازگردانیم. یعنی بازگشت به اسلام نخستین و اسلام راستین. بدعت ها را از میان بردن و سنت های اصیل را جایگزین کردن. یعنی اصلاحی در فکرها و اندیشه ها و تحولی در روح ها و

**شهید مطهری اصلاح فکری را مقدم بر آبادسازی شهرها، اصلاح روابط اجتماعی و تغییر نظامهای مدنی و اجتماعی می داند**

ضمیرها و قضاوت ها در زمینه خود اسلام. او این اصلاح فکری را مقدم بر آبادسازی شهرها، اصلاح روابط اجتماعی و تغییر نظامهای مدنی و اجتماعی می داند و معتقد است که «خودباختگی در برابر غرب» و «مجدوب یک سلسله نظریه ها و اندیشه های بیگانه» شدن آفت یک جنبش اصلاحی و نقطه آغاز انحراف آن است.

او امتیاز اصلاح طلبانی نظیر «سید جمال الدین اسدآبادی» و «اقبال لاهوری» را در اصول گرایی آنان می داند. «سید جمال» را به آن دلیل که «نه مجذوب تمدن غرب بود و نه مرعوب» می ستود و از «اقبال» به این دلیل ستایش می کرد که «معتقد است که شریک اسلامی هویت واقعی خود را که هویت اسلامی است از دست داده است و باید آن را باز یابد»

استاد با اشاره به اینکه اساس نظریه اصلاحی «اقبال» را چیزی به نام «فلسفه خودی» تشکیل می دهد، تأکید می کند که «نخستین کار لازمی که مصلحان باید انجام دهند بازگرداندن ایمان و اعتقاد این جامعه به خود واقعی، یعنی فرهنگ و معنویت اسلامی است و این است فلسفه خودی.»

**نخستین کار لازمی که مصلحان باید انجام دهند بازگرداندن ایمان و اعتقاد این جامعه به خود واقعی، یعنی فرهنگ و معنویت اسلامی است و این است فلسفه خودی.**

از همین جاست که طرح «جدایی دین و سیاست (سکولاریسم)» را نقشه

«عمال استعمار» دانسته و «سید جمال» را در شناخت این توطئه بزرگ پیشقدم می داند و می گوید: «اعلام همبستگی دین و سیاست و اعلام ضرورت شرعی آگاهی سیاسی برای فرد مسلمان و ضرورت دخالت او در سرنوشت سیاسی کشور خودش و جامعه اسلامی یکی از طرح های سید برای چاره جویی دردهای موجود بود.»

و باز از همین جاست که نقص کار برخی اصلاح طلبان دلسوز را آن می داند که «با فرهنگ اسلامی عمیقاً آشنا نیست» و از بعضی دیگر از «دوستان» گله مند است که «مجدوب یک سلسله نظریه ها و اندیشه های بیگانه می گردند و آگاهانه و یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می دهند و عرضه می نمایند.» و فریاد برمی آورد که: «من به عنوان یک فرد مسؤول به مسؤولیت الهی به رهبران عظیم الشأن نهضت اسلامی... هشدار می دهم و بین خود و خدای متعال اتمام حجت می کنم که نفوذ و نشر اندیشه های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مارک اسلامی، اعم از آن که روی سوء نیت و یا



شهید مطهری پس از بررسی و مقایسه چندین نهضت اصلاح طلبانه هشدار می دهد که «نهضت ها هم مانند همه پدیده های دیگر ممکن است دچار آفت زدگی شوند» و این «وظیفه رهبری نهضت است که پیشگیری کند و اگر احیاناً آفت نفوذ کرد، با وسایلی که در اختیار دارد و یا باید در اختیار بگیرد آفت زدایی نماید». در غیر این صورت «آن نهضت عقیم و یا تبدیل به ضد خود خواهد شد». برخی از مهمترین تهدیدهای بیرونی یا آسیب پذیرهای درونی برای هر جنبش اصلاحی از دیدگاه این استاد فرزانه عبارت است از:

۱. عقب نشینی از اصول

با تحلیلی که شهید مطهری از جایگاه و نقش دین در اصلاحات ارائه می کند، طبیعی است که «نفوذ اندیشه های بیگانه»، «خودباختگی در برابر غرب» و تن دادن به فکر استعماری «جدایی دین و

استاد نفوذ اندیشه های بیگانه، خودباختگی در برابر غرب و تن دادن به فکر استعماری جدایی دین و سیاست (سکولاریسم) را بزرگترین و نخستین آفت حرکت های اصلاح طلبانه می داند.

سیاست (سکولاریسم) را بزرگترین و نخستین آفت حرکت های اصلاح طلبانه بداند. ایشان معتقدند: «اندیشه های بیگانه از دو طریق نفوذ می کنند: یکی از طریق دشمنان ... و دیگر از طریق دوستان و پیروان مکتب» که «به علت ناآشنایی درست با مکتب، مجذوب یک سلسله نظریات و اندیشه های بیگانه می گردند و آگاهانه و یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می دهند».

او یکی از توطئه های خطرناک دشمنان را تضعیف باورهای دینی مردم و وادار کردن آنان به عقب نشینی از ارزش ها و اصول به نام مبارزه با تعصب و ترویج تساهل و بردباری می داند.

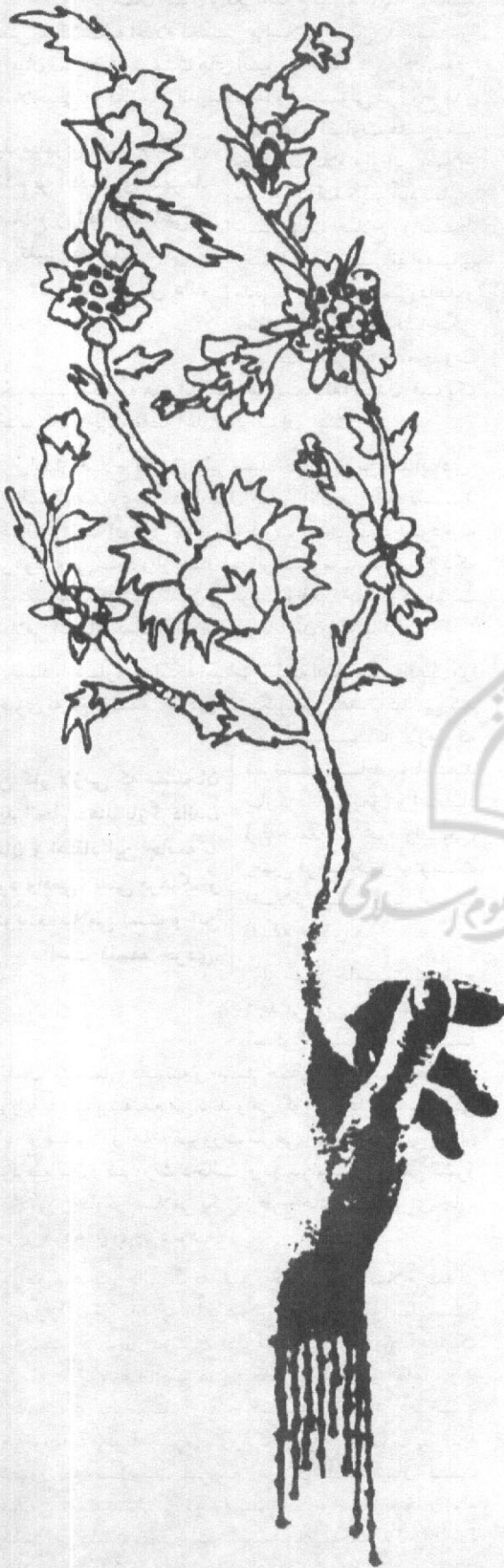
استاد، مرحوم سیدجمال را به دلیل تشخیص دقیق این توطئه تحسین می کند و می گوید:

«سید به مسلمانان هشدار می داد که ... غرب علی رغم اینکه با ماسک آزاد منشی، تعصب را نکوهش می کند، خود در دام تعصب، خصوصاً تعصب مذهبی علیه مسلمانان، سخت گرفتار است. سید، علی رغم اینکه فرنگی مآبانه متعصب را نکوهش می کنند، مدعی بود تعصب بد نیست. تعصب مانند هر چیز دیگر افراط و تفریط و اعتدال دارد... تعصب به معنی تصلب و غیرت حمایت از معتقدات معقول و منطقی نه تنها بد نیست، بسیار

استاد، یکی از توطئه های خطرناک دشمنان را تضعیف باورهای دینی مردم و وادار کردن آنان به عقب نشینی از ارزش ها و اصول به نام مبارزه با تعصب و ترویج تساهل و بردباری می داند.

مستحسن است.»

سید می گفت: «اروپائیان چون اعتقاد دینی مسلمانان را استوارترین پیوند میان آنان می بینند، می کوشند تا با نام مخالفت با تعصب این پیوند را سست کنند.»





## ۲- افراط گرایی

از نظر استاد «تجددگرایی افراطی» آفت دیگری است که باید در نظر داشت. «پرهیز از افراط و تفریط و گرایش به اعتدال در هر کاری خالی از دشواری نیست» ولی چاره ای جز تحمل این دشواری نیز وجود ندارد.

هر نهضت مادام که مراحل دشوار اولیه را طی می کند، سنگینی اش بر دوش افراد مؤمن، مخلص و فداکار است. اما همین که به بار نشست سر و کله افراد فرصت طلب پیدا می شود و غفلت از نفوذ و رخنه فرصت طلبان است که فاجعه به بار می آورد.

ایشان ضمن گلایه از «عوام زده» های «گذشته گرا»، به شدت از گروه دیگری نیز انتقاد می کند؛ از آنان که «به مسائل روز توجه دارند و درباره آینده می اندیشند» اما «متأسفانه سخاوتمندانه از اسلام مایه می گذارند و سلیقه روز را معیار قرار می دهند و به نام اجتهاد آزاد به جای آنکه اسلام را معیار حق و باطل زمان قرار دهند، سلیقه و روح حاکم بر زمان را معیار اسلام قرار می دهند» و «به منظور رنگ زمان زدن و باب طبع زمان کردن» دین، از ضروریات آن دست می شویند.

این همان دغدغه همیشگی استاد، یعنی جستجوی راه حلی برای مسأله هماهنگی احکام «اسلام و مقتضیات زمان» است و «از طرفی در اثر جمود فکری و قشری مآبسی» و «از طرف دیگر به نام انطباق اسلام با علم»، تفریط یا افراط صورت پذیرد.

## ۳. رخنه فرصت طلبان

شهید مطهری با اشاره به تاریخ صدر اسلام و نیز تاریخ معاصر ایران می گوید: «هر نهضت مادام که مراحل دشوار اولیه را طی می کند، سنگینی اش بر دوش افراد مؤمن مخلص فداکار است. اما همین که به بار نشست ... سر و کله افراد فرصت طلب پیدا می شود و غفلت از نفوذ و رخنه فرصت طلبان است که فاجعه به بار می آورد». به اعتقاد استاد: «نهضت را اصلاح طلب آغاز می کند نه فرصت طلب و همچنین آن را اصلاح طلب مؤمن به اهداف نهضت می تواند ادامه دهد نه فرصت طلب که در پی منافع خویش است».

بنابراین ساده لوحی است اگر اصلاح طلبانی بخواهند در راه رسیدن به اهداف خود از کسانی استفاده کنند که نه تنها پیشینه روشنی ندارند، بلکه هم اکنون نیز بصراحت سخن از کنار نهادن دین و شعارهای اصلاحی آن می کنند.

## ۴- انحراف اصلاح طلبان

از نظر استاد این آفت «از نوع معنی است، از نوع تغییر جهت دادن اندیشه ها» و «نیتهای» است. اگر اصلاح طلبان در جریان اقدامات خود اخلاص و قصد خدمتگزاری را از دست دهند در حقیقت اصلاحات به ضد خود تبدیل شده است. همه می دانیم که «پاک نگه داشتن اندیشه و نیت در مراحل نفی و انکار که همه سرگرمی ها درگیری با دشمن بیرونی است

آسان تر است (اما) همین که نهضت به ثمر نشست و نوبت سازندگی و اثبات، که ضمناً پای تقسیم غنائم هم در میان است برسد، حفظ اخلاص بسی مشکل تر است» و این «سنت لایتغیر خداست که هر ملتی که از درون و از جنبه اخلاقی تغییر کند و عوض شود، خداوند متعال سرنوشت آنان را تغییر دهد».

داستان غم انگیز دل بستن عناصر اصلی تاریخ صدر اسلام (خواص) به چرب و شیرین دنیا و برقراری مسابقه در جمع آوری مال و تصاحب منصب ها برای هیچ کس پنهان نیست و همگان می دانند که این آفت بزرگ چه فتنه ها به پا کرده، چه آتش ها برافروخت و چگونه اسلام را چون پوستین وارونه نمایش داد.

گذشته از آن، بسیاری از جنبش های دیگر هم «در آغاز جنبه اصلاحی داشته و سرانجام از مسیر اصلاحی منحرف شده اند». برای مثال «قیام شعبیه در آغاز ماهیت اصلاحی داشت، زیرا علیه تبعیض اموی بود ... اما متأسفانه خود شعبویه در همان مسیر انحرافی افتادند که علیه آن به پاخاسته بودند» و در نهایت «به بیراهه شعارهای نژاد پرستانه ایرانی» کشیده شدند.

### پی نوشتها:

\* عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام و عضو حقوقدانان شورای نگهبان.

۱- سخنرانی مورخ ۲۸/۱/۷۹.

۲- همان.

۳- نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۱۰.

۴- همان، ص ۱۱.

۵- اصلاحات: راهبردها و خطرهما، (سخنرانی رهبر معظم انقلاب، مورخ ۱۹/۴/۷۹)، چاپ انتشارات سروش.

۶- همان، ص ۳۴.

۷- همان، ص ۳۵.

۸- از پیام امام خمینی به مناسبت اولین سالگرد شهادت استاد مطهری، ۲۷/۱۲/۵۸.

۹- حسن عزیزاده، فرهنگ خاص علوم سیاسی، ص ۲۵۵.

۱۰- همان، ۲۵۲.

۱۱- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲.

۱۲- سخنرانی مورخ ۲۸/۱/۷۹.

۱۳- سخنرانی مورخ ۲۳/۲/۷۹.

۱۴- خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه: اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی کان منا مناقسه فی سلطان ولا التماس شیء من فضول الحطام، ولكن لنزد المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک، فیامن المظلومون من عبادک و تقام المعطله من حدودک.

۱۵- انما یقیم امر الله سبحانه من لا یصانع و لا یضارع و لا یتبع المطامع.

۱۶- پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۸۴.